

نگاه هنرمند

احساس امید و شادی

جعفر پناهی



■ تبریک و تشکر از اصغر فرهادی که با اولین جایزه اسکار برای سینمای ایران، احساس امید و شادی را به ارمغان آورد. سیاست از خانواده و «خانه سینما» که نام ایران را با هنر و هنرمندی در جهان پروازه کرد.

نگاه میهمان

بهبانه‌ای برای شادی

زهره اشراقی



برخلاف همه تنگ‌نظری‌ها و پیش‌گویی‌های برخی از دوستان، فرهادی محبوب اسکار را هم برد. او جایزه‌اش را نه به دلیل فعالیت علیه نقض حقوق بشر در ایران گرفت و نه برای تصویر کردن چهرای سیاه از وطنش؛ فیلم و غنای هنری فرهادی اسکار را از آن خود کرد. حالا نه به دلیل لجبازی و سیاست و نه چالش‌هایی که با آن روبه‌روست بلکه به دلیل چهره نوینی که از سرزمین و مردم میهنش نمایان کرده، شایسته قدرتی است؛ مردمی که به گفته وی، مخالف خشونت هستند و با تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر سر سازگاری دارند.

نگاه نویسنده

اتفاق تازه در سینما

لیلی گلستان



من هم مثل خیلی‌های دیگری که دیشب بیدار بودند، نشستم و همه مراسم‌را دیدم. وقتی اسم ایران آمد حسابی گریه کردم. از اولین فیلم اصغر فرهادی متوجه شدم که حضور ایشان یک اتفاق تازه در سینمای ماست. فیلم «شهر زیبا» یکی از بهترین فیلم‌های سینمایی است. آدمی است که خیلی اهل جاهل‌طلبی نیست، اهل تفکر است و به‌شدت وسواس دارد. فکر می‌کنم که در آینده خیلی بهتر از این خواهد شد. به ایشان تبریک می‌گویم و امیدوارم موفقیت‌هایشان ادامه داشته باشد.

کاغذ بی‌خط

ترمه ما به انتخاب تو نیاز داریم

فرزانه ابراهیم‌زاده

■ ترمه جان الان که دارم اینها را برایت می‌نویسم، من هم مثل تو بغض کردم. شبیه آن لحنهایی که تو بغضت را با اشک‌های روی گونه‌هایت فرو خوردی و به قاضی گفתי تصمیمت را گرفتی اما ترجیح می‌دهی بی‌حضور نادر و سیمین بگویی، بگویی که در میانه این جدایی کدام یکی را انتخاب کردی. ترمه جان دیشب هم مثل همان موقع با تو بغض کردم. مثل میلیون‌ها نفری که نفس‌شان را با حرکات لب‌ساندرا بولاک حبس کردند که او بی‌هیچ پیوند و پسوندی بگوید: «A SEPRATION, ASGHAR». ترمه جان اما این بغض و گریه از سر شادی بود. از سر شادی که مدت‌ها بود در انتظارش بودیم. از شادی‌ای که مدت‌ها بود گمش کرده بودیم. از هدیه‌ای که جدایی نادر و سیمین و آن تصمیم تو به ما داد. می‌گویم هدیه به ما چون خودم را مثل آن چند میلیون نفری که نشسته بودند تا همین نام را بشنوند در شادی این جایزه سهیم می‌دانم. نه برای اینکه بعد از لمس آن مجسمه طلایی رنگ آن را به ۶۰ میلیون ایرانی که من هم یکی از آنها هستم، تقدیم کرد. برای اینکه من هم شبیه نادر، شبیه سیمین، شبیه سمیه و حتی شاید شبیه تو باشم و این جدایی شبیه زندگی من است. ترمه جان من هم دیشب با پا پای تو بغض کردم و اشک ریختم برای اینکه ۸۴ سال، ۸۴ دوره ۸۴ مجسمه طلایی دست به دست گشته تا به دست تو و این جدایی رسیده است. ترمه جان نمی‌دانم در آن اتاق پشت میز عدالت چه تصمیمی گرفتی، همان طوری که نادر و سیمین هم نمی‌دانند اما دیشب با تمام وجودم خواستم که تو نادر را انتخاب کرده باشی و همین جا بمانی چرا که ما به تو، انتخاب تو و این شادی نیاز داریم.

نگاه صنف

مشاقفانه در انتظار بازگشت‌تان

■ پیام خانه سینما: اصغر فرهادی کارگردان ارزشمند سینمای ایران دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌از هشتاد و چهارمین دوره مراسم آکادمی را به شماهمکاران هنرمندان خانواده سینمایی ایران و ملت بزرگ ایران تبریک می‌گویم. شادی توصیفناپذیر ما نه فقط از دریافت این جایزه که از ادب هنرمندانه شما در تقدیم آن به مردم دوست‌داشتنی و صلح‌دوست ایران است که چنین هنرمندان بزرگی را در دامن فرهنگ و معرفت خوش پرورده است مشتاقانه در انتظار بازگشت شما به سرزمین غنی از فرهنگ کهنی هستیم که دستمایه‌های اصلی آثارتان را از سرچشمه‌های آن بر می‌گیرید.

هیات مدیره و مدیرعامل خانه سینما

نگاه مسوول

تبریک شمقدری به فرهادی



■ شرق: جواد شمقدری

که این روزها با سمت رییس سازمان سینمایی کشور نامه‌های خود را امضا می‌کند، بعد از اعلام نام اصغر فرهادی و جدایی نادر از سیمین به عنوان بهترین فیلم خارجی آکادمی علوم سینمایی در پیام تبریکی، این جایزه را شیرین‌تر کردن ذائقه سینمایی دانست که در جشنواره فجر شاد شده بود. شمقدری در این پیام آورده است: «این جایزه گواهی دیگر بر آغاز فصل جدید سینمای ایران است که در قالب سازمان سینمایی به افق‌های بلندی می‌اندیشد. قضاوت آمریکایی در مقابل فرهنگ ایرانی سر تعظیم فرود آورد و رای‌دهندگان آکادمی اسکار در مقابل لابی صهیونیستی که بر طبل جنگ می‌کوبد واکنش متفاوتی نشان دادند و این ترک آغاز فروپاشی استیلای لابی صهیونیستی بر جامعه و همه نهادهای آمریکایی است. امروز غرب تشنه چشیدن معنویت و طعم اخلاقی و تجربه محبت، عاطفه و رفتار انسانی است. زخم‌های شیطانی نیاز به مرهم الهی دارد و سینمای ایران در پرتو فرهنگ اسلامی پاسخگوی این نیاز است. موفقیت آقای فرهادی در دریافت جایزه اسکار حلقه‌ای از موفقیت‌های ملت بزرگ ایران است که آن را به وی و گروه همکارش و سینمای ایران و همه سینما دوستان ایرانی تبریک می‌گویم.» شمقدری در کنار این پیام در گفت‌وگو با ایسنا با بیان اینکه خوشبختانه راه برای این فیلم باز شد و داوران نتوانستند «جدایی نادر از سیمین» را نادیده بگیرند، بار دیگر بر موضع قبلی خود درباره تأثیر نداشتن جایزه اسکار تأکید کرد و گفت: «کافی است ما در محور اخلاق، معنویت و فیلم‌های پاک که پیام‌های انسانی دارند، راهمان را ادامه دهیم؛ در آن صورت خواهیم دید که غری‌ها به توجه‌شان به سمت این فیلم‌ها جلب می‌شود.»

کارگردان

زمستان سرد

محمد بزرگ‌نیا



ممنون آقای فرهادی که در این زمستان سرد برای ما ایرانیان گرما و شادی آوردی، ممنون که سینمای ایران را به آوج رساندی و ممنون که افتخارات سینمای ایران را کامل کردی.

ساسان گلفر: «... و اسکار تعلق می‌گیرد به: یک جدایی، ایران، اصغر فرهادی.» این بار نوبت ساندرای بولاک بود که مقابل ستاره‌بارانی بر زمینه آبی رنگ پردمای عظیم با نقش خشکی و دریای سراسر کره‌زمین، نام پرافتخارترین فیلم سسال و کشور و سازنده آن را بر زبان بیاورد و برای اولین بار در هشتاد و چهارمین دوره مراسم سالانه اهدای جوایز آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، تندیس اسکار را به یک ایرانی تقدیم کند.

اصغر فرهادی با «جدایی نادر از سیمین» اولین جایزه اسکار را برای ایران به ارمغان آورد. پیش از این ایرانیانی دیگر، از جمله مجید مجیدی، در رشته‌هایی مانند بازیگری، فیلمنامه و تدوین صدا، نامزد اسکار شده بودند اما این جایزه بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان، نخستین جایزه آکادمی علوم و هنرهای سینمایی است که به یک هموطن تعلق گرفته است. در مراسم اهدای جوایز اسکار که صبح روز گذشته در کدک تیه‌تر (که هنوز نام تازه‌ای برای آن تعیین نشده) در هالیوود برگزار شد، «جدایی نادر از سیمین» همان‌طور که انتظار می‌رفت چهار رقیب خود- یک فیلم فرانسوی و هلندی‌زبان از بلژیک، دیگری به زبان فرانسه با دیالوگ‌هایی عربی و انگلیسی از کانادا، یکی به زبان عبری و دیگری لهستانی- را با اختلاف زیاد کنار زد و خود را به اعتبار جوایز متعدد بین‌المللی در جایگاه محبوب‌ترین فیلم غیرانگلیسی زبان سال تثبیت کرد.

«من می‌خواهم از آکادمی و سونی پیکچرز کلسیکرز (بخش‌کننده فیلم در سطح بین‌المللی) و دوستان عزیزم مایکل بارکر و تام برنارد (مدبران و بنیانگذاران سونی پیکچرز کلسیکرز) تشکر کنم.» اصغر فرهادی، این بار کاملاً مسلط و آماده برای نطق خود، به انگلیسی سلیس این جملات را گفت و در حالی که کافذی از جیب خود بیرون می‌آورد، به زبان فارسی افزود: «سلام به مردم خوب سرزمینم.» به انگلیسی ادامه داد: «در این زمان، بسیاری از ایرانیان از سراسر جهان به ما نگاه می‌کنند و من تصور می‌کنم که بسیار خوشحال باشند.» از روی کافذی که در دست داشت این جملات انگلیسی را خواند: «آنها خوشحال هستند، نه فقط برای یک جایزه مهم یا یک فیلم یا یک فیلمساز، بلکه به خاطر آنکه در زمان صحبت از از عاب جنگ و تبادل جملات تهدیدآمیز و حملات سیاستمداران به یکدیگر، نام کشورشان ایران به واسطه فرهنگ باشکوهش به میان می‌آید هنگام ادای این جملات، تماشاگران تلویزیون در سراسر دنیا تصویری از استیون اسپیلبرگ و اطرافیش را در حال گوش دادن به سخنان فرهادی دیدند! یک فرهنگ غنی و باستانی که در غبار سنگین سیاست پنهان شده است! در نسخه تلویزیونی، نمای از مکس فن سیدو، بازیگر سوئدی به نمای از پیام معادی، سارینا فرهادی و لیلیا حاتم‌ی برش می‌خورد. آن من این جایزه را با افتخار به مردم کشورم تقدیم می‌کنم، مردمی که به همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها احترام می‌گذارند و از دشمنی و کینه بیزارند. از شما بسیار متشکرم.» فرهادی البته نتوانست جایزه دیگری را که برای آن نامزد اسکار شده بود، جایزه بهترین فیلمنامه لورژینال را دریافت کند و آن را سه وودی آلن برای نگارش فیلمنامه «جیمه‌ش‌ب در پاریس» واگذار کرد. هنگام اعلام اسامی نامزدان این رشته، از هر یک از چهار فیلم دیگر

صحنه‌ای با شرح و دیالوگ‌های شاخص انگلیسی آن که مانند زیرنویس بر آن تاپی می‌شده، به نمایش در آمد و از «جدایی نادر از سیمین» سکانس بی‌کلام بازی دخترک با دستگاه اکسیژن پرمردم بیمار که به بیدار شدن او و «سلام» گفتن دخترک ختم شد، به‌نمایش در آمد. اصغر فرهادی از معمود حاضران در سالن بود که با وجود دارا بودن بیشترین تعداد نامزدی‌ها به عنوان یک شخص (همراه با ژانلوپسیوس، پین، اسکورسیزی، آلن، کلونی و پیت) از طعنه و کنایه‌های بیلی کریستال مجری در امان ماند و البته از فیلم‌های غیرانگلیسی زبان در میان ملغمه‌ای از تصاویر فیلم‌های مطرح این دوره با حضور مجری در سکانس‌هایی از آنها که بیشتر به هجو و طعنه می‌ماند، خبری نبود.

دو فیلم «هوگو» و «هنرپیشه» -یکی از آمریکا و دیگری محصول فرانسه و بلژیک- هر کدام با دریافت پنج جایزه اسکار بیشترین تعداد جوایز هشتادوچهارمین دوره اسکار را نصیب خود کردند. البته «هنرپیشه» بیشترین جوایز را در رشته‌های اصلی و هنری -بهترین فیلم، کارگردانی (میشل آنژلوپسیوس)، بازیگر مرد نقش اصلی (ژان ژواردن)، موسیقی متن (لودویک بورس) و طراحی لباس (مارک بریجز) - به خود اختصاص داد و بیشترین جوایز به «هوگو» در بخش‌های فنی -تدوین صوتی، میکس صدا، جلوه‌های ویژه- و همچنین فیلمبرداری (رابرت ریچاردسون) و طراحی صحنه (داتنه فرتی و فرانچسکو لو شاولو) رسید. بیشترین

تعداد نامزدی‌ها را نیز این دو فیلم داشتند: «هوگو» نامزد ۱۱ و «هنرپیشه» نامزد ۱۰ جایزه اسکار بود. «بانوی آهنین» محصول مشترک انگلستان و فرانسه برنده دو جایزه بهترین بازیگر زن نقش اصلی (مریل استرپ) و بهترین چهره‌پردازی شد و «آداگان» (بهترین فیلمنامه اقتباسی برای الکساندر پین، نت فاکسون و جیم راش)، «جیمه‌ش‌ب در پاریس» (بهترین فیلمنامه لورژینال، وودی آلن)، «جدایی نادر از سیمین» (بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان)، «خدمتکار» (بهترین بازیگر زن نقش مکمل، فاکسون و جیم راش)، «دختری با خالکوبی اژدها» (بهترین تدوین برای انگوس وال و کرک باکستر)، «تازه‌کارها» (بهترین بازیگر مرد نقش مکمل، کریستوفر پالمر)، «هاپت‌ها» (بهترین آواز، برت مکزی)، «رنگو» (بهترین انیمیشن بلند، گور ورینسکی) و «شکست نخورده» (بهترین مستند بلند) فیلم‌های بلندی بودند که یکی از معتبرترین جوایز صنعت سینما نصیب هر کدام از آنها شد. سه فیلم کوتاه «ساحل»، «تجات چهره» و «کتاب‌های پرده خیال‌انگیز آقای موريس لسمور» بهترین فیلم‌های کوتاه- به ترتیب- زنده، مستند و انیمیشن اسکار امسال شدند.

در مراسم اسکار هشتاد و چهارم انکار همه بر پا پیش آمده بودن تأکید داشتند، مخصوصاً برنامه‌سازان و طراحان مراسم که برخلاف سال‌های پیش از غافلگیری تا حد امکان ربهیزر کردند و حتی در فواصل پخش آگهی به اتفاق‌ها و افراد

شبی پراشتهاب



مریلا زارعی

یک نماینده از سینمای ایران در مقابل میلیون‌ها انسان در سراسر جهان فریاد برمی‌آورد که ما ملت ایران! چگونه ملتی هستیم و بار دیگر فرهنگ و تمدن این مردم را یادآور می‌شود. در زمانه‌ای که هالیوود تمام تلاش خود را برای تخریب فرهنگ و تمدن ما به‌کار گرفته و از هیچ تخریبی برای فرو ریختن تمدن پر قدمت ایران‌مان فروگذار نیست؛ چه زیادت که سینما و سینماگرها سر به‌عنصر لیاقت تکیه کند و به جهانیان تفهیم کند که این مردم متمدن و با فرهنگ همیشه و همیشه پاینده‌اند... با وجود اینکه چند روز نیست که از روزه سکوتی که قصد کرده بودم، نگذشته؛ نتوانستم بر قول خود پایبند بمانم و خود را ملزم به نوشتن این چند خط کردم... شاید دل‌پیش موفقیتی بی‌نظیر اصغر فرهادی بود که امیدوارم باز هم تکرار شود. در آخر با چهره‌ای منبسط و دلی آکنده از شوق و امید و انگیزه‌ای چند هزار برابر برای اعتلای هنر کشورم؛ این موفقیت را به همه مردم و به همه کسانی که تمام قد به احترام پرچم سه رنگ کشورم ایستادند و اشک شوق ریختند؛ تبریک می‌گویم.

پاینده باد ایران

و جلودان خون همه شهدایی که برای اثبات حقانیت این مردم و دفاع از خاکمان ما را تنها گذاشتند...

دوباره یک شب دیگر بی‌خوابی را همراه با میلیون‌ها علاقه‌مند در صندوق خاطرات‌مان به یادگار گذاشتیم. شبی که بهانه‌گیران در کمین بودند و ما در اضطراب کسب جایزه با عدم دریافتش... خدارو شکر می‌کنم که این اتفاق برای اولین بار در این سینما افتاد و نسل ما با همه ناامیدی‌های رنگارنگش شاهد این اتفاق تاریخی بود... آرا و نظرات برخی حول این محور دور می‌زد که اسکار یک جشنواره سیاسی است و دشمنان بنابر کژاندیشی‌های همیشگی‌شان و بنا به مصلحت خود جوایز را تقسیم می‌کنند... اما نکته جالب اینجاست که در این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌ها به یک هنرمند ایرانی که صاحب اندیشه است، توجه می‌شود و مهم‌تر اینکه به او اجازه داده می‌شود که به نمایندگی از مردمش پیام انسان‌دوستی و صلح‌طلبی‌شان را به گوش جهانیان برساند. پیامی که طی روزهای سخت این روزها فریاد می‌زنیم. در این رفت و آمدهای نمایندگان آژانس و نادیده گرفتن حق کشورمان برای دسترسی به تکنولوژی بهتر چه دلچسب است

حس دراماتیک شادی



محمدعلی طالبی

فضایی را ایجاد کنند که سینما بتواند از این بن‌بست خارج شود و همه فیلمسازان با هر عقیده و فکری آزادانه و به‌طور از فضای لابی‌گری و پانددبازی بتوانند آثارشان را بسازند. طی این چند سال شاهد بودیم که تعداد زیادی از هنرمندان سینما از بیکاری در رنج هستند و هزینه تأمین زندگی خود را ندارند. چون حقوق ماهانه هم دریافت نمی‌کنند. آیا گرفتن جایزه اسکار به این معنی است که وضعیت زندگی این هنرمندان بهبود می‌یابد. آیا نباید شرایطی ایجاد شود که امکانات سینما به عدالت تقسیم شود؟ فیلمسازان ما در گذشته هم نشان دادند می‌توانند در عرصه سینما نام ایران را مطرح کنند. این اتفاقات باعث می‌شود که ما عمیق‌تر به فرهنگ کشورمان نگاه کنیم. می‌دانیم که «جدایی نادر از سیمین» در یک مقطعی داشت به راحتی متوقف می‌شد و ساخته نمی‌شد و اگر این اتفاق می‌افتاد چگونه می‌توانستیم امروز به این افتخار بزرگ باییم؟ فکر می‌کنم هر دولتی در هر کشوری نمی‌تواند از این اتفاق خوشنود نباشد؟ مردم به موفقیت هنری که در فیلمی مثل جدایی نادر از سیمین رخ داده و فیلمی است که به‌شدت به مفاهیم انسانی می‌پردازد و هیچ مشکلی را برای هیچ دولتی به وجود نمی‌آورد، نیاز دارد. موفقیت فیلم جدایی نادر از سیمین محصول ۵۰ سال تلاش سینماگران ایرانی است که سال‌هاست خدمت می‌کنند و همیشه مورد انتقاد بوده‌اند. در نهایت مثل هر ایرانی، اول به آقای فرهادی و بعد به همه مردم ایران تبریک می‌گویم.

کشور به ظرفیت‌های سینمایی بی‌بیرند و با بودجه بیشتر



با خرید تقویم های موسسه خیریه بهنام دهش پور نجات بخش یک زندگی باشید

موسسه خیریه بهنام دهش پور حمایت از بیماران مبتلا به سرطان Behnam Dohshpour Charity Organization

موسسه خیریه بهنام دهش پور حمایت از بیماران مبتلا به سرطان Behnam Dohshpour Charity Organization

آدرس: موسسه تهران، میدان تجریش، بیمارستان شهید، رادیو ترائی و تکنولوژی، طبقه دوم تلفن: ۲۲۷۱۸۰۸۳

www.behnamcharity.org.ir info@behnamcharity.org.ir